

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران

سال هفتم، شماره پیاپی ۲۲، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸

صص ۱۷-۳۲

بررسی مشارکت شهروندان در برقراری نظم و امنیت شهری و عوامل مرتبط با آن نمونه موردی: شهر ارومیه

محسن معروفی، کارشناس ارشد، گروه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران*
اسعد خانی، کارشناس ارشد، گروه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
جعفر هزارجریبی، استاد، گروه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

چکیده

موضوع امنیت و مشارکت با پلیس در جامعه شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. امروزه، با افزایش جوامع شهری و در هم تنیده‌تر شدن آنها، شرایط تأمین و برطرف کردن نیازها هم شکلی پیچیده‌تر یافته است. شناخت و کنترل امنیت در شهرها مستلزم نگاه دقیق و همه‌جانبه‌ای است تا از طریق آن، بتوان ابعاد گوناگون امنیت را درک و ارتباط‌های پنهان میان آن ابعاد در سطوح مختلف را کشف کرد. پژوهش حاضر در همین زمینه سعی دارد درباره عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان ساکن شهر ارومیه در برقراری امنیت و نظم کاوش کند و تأکید ویژه‌ای بر حقوق شهروندی و آگاهی مردم از این حقوق و عضو شدن و فعالیت آنها در نهادهای مدنی و مشارکتی دارد. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد استخراج‌شده از پژوهش‌های پیشین است. جامعه مطالعه‌شده شهروندان بالای ۱۸ سال ارومیه است که دست‌کم تحصیلات راهنمایی داشته باشند. نمونه بررسی شده براساس فرمول کوکران برابر با ۳۹۲ نفر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند بین متغیر جنسیت ($p < 0.01$)، سن ($p < 0.01$)، زبان ($p < 0.05$) و تحصیلات ($p < 0.01$) با مشارکت مردم در برقراری امنیت رابطه وجود دارد. میزان همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته به این ترتیب است که متغیر همگرایی قومی با 0.536 ($p < 0.01$)، آگاهی از حقوق شهروندی با 0.572 ($p < 0.01$)، احساس محرومیت نسبی با 0.563 ($p < 0.01$)، عضو شدن در نهادهای مدنی با 0.444 ($p < 0.01$) و انسجام و وفای اجتماعی با 0.570 ($p < 0.01$) با متغیر وابسته همبستگی دارند. در بخش تحلیل رگرسیون نیز نتایج نشان می‌دهند متغیرهای مستقل حدود ۴۶ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. گسترش روزافزون فیزیکی شهر و چندفرهنگی و چندقومیتی بودن آن مشکلاتی مانند کاهش انسجام اجتماعی، افزایش احساس محرومیت نسبی و... را به وجود آورده است. از سوی دیگر، ضعف نهادهای مدنی در جلب مشارکت مردمی و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی سبب می‌شود ایجاد فضای امن شهری با چالش روبه‌رو شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند توجه متولیان امنیت به متغیرهای بررسی شده می‌تواند به بهبود امنیت به‌ویژه امنیت مشارکتی در فضای شهر کمک زیادی کند. واژه‌های کلیدی: نظم و امنیت، مشارکت، همگرایی قومی، احساس محرومیت نسبی، انسجام اجتماعی، حقوق شهروندی، نهاد مدنی

Email: mohsen.maroofti1986@gmail.com

* نویسنده مسئول: ۰۹۳۸۷۵۲۱۶۵۰

Copyright©2018, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

Doi: [10.22108/ssoss.2019.105867.1127](https://doi.org/10.22108/ssoss.2019.105867.1127)

مقدمه و بیان مسئله

امنیت از جمله پدیده‌های مهم و درخور توجه و از نیازها و ضرورت‌های اساسی و پایه‌ای فرد و جامعه به شمار می‌رود که نبودن یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد. تأمین و مراقبت از امنیت در فرایند پایایی و پایداری آن در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و جغرافیایی به‌طور ویژه‌ای مطلوب است. در این باره دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، سالانه بودجه‌های هنگفتی هزینه می‌کنند (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۲: ۳۶۵). مدیریت شهری درباره امنیت با چالش‌های مختلفی روبه‌روست. از جمله این چالش‌ها مفهوم شهروندی، مشارکت و حقوق شهروندی است که امروزه اهمیت ویژه‌ای یافته است. یکی از راه‌های برقراری امنیت، تغییر و اصلاح کالبد شهرهاست؛ البته مهم‌تر از کالبد هر مکانی، روح غالب بر آن مکان است که از روابط اجتماعی و مردمی وابسته به یکدیگر نشئت می‌گیرد؛ یعنی کالبد در رفتارها تأثیرگذار است و رفتارها در نحوه استفاده از کالبد شهر تأثیر می‌گذارند (گلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹).

برای حل چنین مشکلاتی، به‌طور عمده راهبردهایی مانند تمرکززدایی قدرت مرکزی، جلب مشارکت عمومی مردم برای مدیریت شهری، مدیریت کارآمد و بهبود کیفیت زندگی شهری پیشنهاد شده‌اند که به کار بستن آنها سبب ارتقای جایگاه مدیریت شهری نیز می‌شود.

حوزه امنیت هزینه‌های هنگفتی برای دولت‌ها در بر دارد و شاید یکی از مهم‌ترین مسئله‌های پیش روی دولت‌ها تأمین امنیت باشد. بیشتر متفکران بر این باورند که گرچه تأمین امنیت وظیفه دولت‌هاست، با توجه به تحولات قرون اخیر امنیت با مشارکت شهروندان امکان بقا و پایداری دارد و در مدیریت شهری جدید و در جهانی که به‌طور فزاینده به سمت شهری شدن گام برمی‌دارد، مشارکت مردمی جایگاه رفیعی دارد (Arrington, 2006)؛ به عبارت دیگر، رویارویی با مسائل و مشکلاتی که شهرهای امروز جهان با آنها درگیرند، تنها با بهره‌گیری درست و بهینه از توان‌ها و

استعدادهای موجود شهروندان و در قالب برنامه‌های مشارکتی امکان‌پذیر است. اگر در جامعه اختلال و بی‌نظمی به وجود آید و امنیت به مخاطره افتد، جامعه دچار نوعی بیماری و ناهنجاری می‌شود که باید درمان شود. اگر این امر اتفاق نیفتد شیرازه امن جامعه در هم شکسته می‌شود و هرج‌ومرج جامعه را فرامی‌گیرد؛ اما آنچه بسیار اهمیت دارد این است که چه باید کرد تا از وقوع جرائم پیشگیری شود و به نظم و امنیت خدشه وارد نشود (Tonry, 2000).

موضوع امنیت و مشارکت با پلیس در جامعه شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. امروزه با افزایش جوامع شهری و در هم تنیده‌تر شدن آنها، شرایط تأمین و برطرف کردن نیازها هم شکلی پیچیده‌تر یافته است. شناخت و کنترل امنیت در شهرها مستلزم نگاه دقیق و همه‌جانبه‌ای است تا از طریق آن، بتوان ابعاد گوناگون امنیت را درک و ارتباط‌های پنهان میان آن ابعاد در سطوح مختلف را کشف کرد. بدین ترتیب از مهم‌ترین اهداف در فرایند برنامه‌ریزی شهری برای شهر سالم، کاهش جرائم و جنایت‌ها در محیط‌های شهری به ویژه در حومه‌های شهری جدید است (گردا و کارولین، به نقل از زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

فضاهای شهری بسترهای زندگی و فعالیت شهروندان‌اند که باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی و اجتماعی و جنسیتی، محیطی امن و سالم، پایدار و جذاب را برای همه افراد ایجاد و نیازهای همه اقشار اجتماعی را به شکلی مناسب برطرف کنند و پاسخگوی کمترین نیازها باشند (شریعی‌زینانی، ۱۳۸۴: ۱۰).

در ایران به‌طور معمول شهرها ترکیب‌های قومی، مذهبی، زبانی و... دارند که این موضوع در بعضی نقاط سبب ایجاد تنش و ناامنی شده است؛ اما ترکیبات قومی، زبانی و... در صورتی که به‌صورت صحیح مدیریت شوند می‌توانند موجبات گسترش تسامح و همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم کنند. شهر ارومیه از جمله شهرهایی است که ساکنان آن از گذشته‌های دور با زبان و قومیت‌ها و مذاهب

فعالیت‌های آماری به‌دست‌آمده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه معناداری بین هر یک از متغیرهای مستقل با میزان مشارکت با پلیس در سطح اطمینان ۹۹ درصد را نشان می‌دهند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه، اثرات هر یک از متغیرهای نگرش نسبت به پلیس، منزلت اجتماعی پلیس و اعتماد به پلیس بر میزان مشارکت با پلیس را به ترتیب به میزان ۲۵، ۳۸ و ۲۴ درصد تأیید کرده‌اند.

بهرامیان و بهرامیان (۱۳۹۲) در پژوهش «بررسی رابطه بین همگرایی اقوام (ترک و کرد) و احساس امنیت پایدار و شناخت عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام در استان آذربایجان غربی»، در پی شناسایی عوامل مؤثر بر همگرایی اقوام و تأثیر آنها بر احساس امنیت پایدار در آذربایجان غربی بودند. روش پژوهش از نوع پیمایشی با پرسشنامه کتبی و جامعه آماری، کل شهرهای دو قومیتی استان آذربایجان غربی و شهر مهاباد است. روش نمونه‌گیری در آن از نوع خوشه‌ای و حجم نمونه ۵۰۰ نفر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند همگرایی اقوام بر امنیت پایدار تأثیر مستقیم دارد و بیش از ۲۰٪ از تغییرات آن را تبیین می‌کند. از عوامل شناسایی شده دیگر که به صورت معنی‌دار بر تقویت همگرایی اقوام تأثیرگذارند، به ترتیب متغیرهای تأثیر دخالت نخبگان سیاسی، سرمایه فرهنگی، تحصیلات، ملی‌گرایی (ایرانی بودن)، دین‌گرایی، تصور مردم از فضای سیاسی - اداری و سابقه ازدواج برون‌گروهی در نزدیکان، بیشترین تا کمترین تأثیر را بر همگرایی اقوام در آذربایجان غربی دارند. عبدی و کاشف (۱۳۹۴) راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی در منطقه ۶ تهران را بررسی و موارد زیر را مطرح کرده‌اند: میزان آگاهی شهروندان از محتوای طرح امنیت اجتماعی، نحوه عملکرد پلیس در اجرای این طرح و اینکه شهروندان تهرانی چقدر اجرای این طرح را متناسب با منافع خود ارزیابی می‌کنند. روش پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه

مختلف همواره زندگی مسالمت‌آمیز و به‌دور از خشونت را داشته‌اند و تنوع قومی و مذهبی هیچ‌گاه موجبات ناامنی را در آن فراهم نکرده است و ساکنان این شهر با هر قوم و زبانی در کنار هم و با مشارکت هم سعی در آبادانی شهر خود داشته‌اند؛ با این حال، جریانات رادیکال تقویت‌شده از خارج از کشور، از برخی اتفاقات قومی سوءاستفاده و موجبات درگیری و تنش‌های قومی را فراهم می‌کنند که در نهایت ممکن است موجب ناامنی و بی‌نظمی شود.

پژوهش حاضر در همین رابطه سعی دارد عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان ساکن شهر ارومیه در برقراری امنیت و نظم شهری در این شهر را بررسی کند. اینکه آگاهی و حضور مردم در عرصه‌های اجتماعی و مدنی تا چه حد می‌تواند بر مدیریت و حکمروایی شهر مؤثر واقع شود، سؤالی است که این پژوهش قصد پاسخ به آن را دارد. در این پژوهش تأکید ویژه‌ای بر آگاهی مردم از حقوق شهروندی، عضو شدن و فعالیت آنها در نهادهای مدنی و مشارکتی، انسجام و وفاق اجتماعی، همگرایی قومی و توزیع عادلانه خدمات شهری و احساس محرومیت نسبی شهروندان شده است.

پیشینه پژوهش

نیازی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس؛ نمونه شهروندان شهرستان کاشان»، رابطه عوامل نگرش نسبت به پلیس در حفظ امنیت، منزلت اجتماعی پلیس و اعتماد به پلیس با میزان مشارکت با پلیس را بررسی کرده‌اند. این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی است و داده‌های آن با استفاده از فن پرسشنامه همراه با مصاحبه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری آن همه شهروندان شهر کاشان در سال ۹۰-۱۳۸۹ است که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۷۰۰ نفر برای نمونه تعیین و به صورت تصادفی ساده انتخاب و بررسی شده‌اند. در مجموع یافته‌های پژوهش و نتایج

با بررسی شیوه‌های مختلف سیاست‌گذاری امنیتی در بلژیک و تغییرات پی‌درپی آنها در طول زمان، مؤثرترین شیوه در حوزه امنیت، همان مشارکت محلی شهروندان با پلیس در این عرصه است؛ به‌طوری که در سال ۲۰۰۷ جمعیت مشارکت‌کنندگان مدنی در حوزه امنیت و مبارزه با جرائم، نسبت به کارکنان پلیس، ۱ به ۵ بوده است.

مارکوآرت^۴ (2012) در نتیجه‌گیری پژوهش خود اشاره می‌کند با اینکه مشارکت اجتماعی شهروندان نتایج مثبتی در بر دارد، با دیکته‌کردن و تحمیل مسئولیت‌های سیاسی برای مناطق ناامن شهری به جای توجه به مشارکت خودجوش در محدوده‌های جغرافیایی مختلف، پارادایم امنیت مشارکتی به خطر می‌افتد و فواصل اجتماعی موجود را دوباره به‌صورت فعال ایجاد می‌کند. گذشته از این، با این کار وجودداشتن همبستگی بین شهروندان امر شایعی می‌شود و پذیرفته می‌شود که در نتیجه سیاست‌زدگی به‌نوعی حالت رسمی به خود می‌گیرد.

چوی و همکاران^۵ (2014) پژوهش «دلیل مشارکت اجتماع‌محور شهروندان در فعالیت‌های مبارزه با جرم» انجام دادند که یافته‌های آن با پرسشگری از ۲۰۰ نفر از شهروندان مقیم لندن و فعال در (PCSOs) - که در واقع انجمنی است که از افسران پلیس در امور مبارزه با جرم حمایت می‌کند - به دست آمده است. آنها به این نتایج رسیده‌اند که دغدغه امنیت اجتماعی و تجربه قربانی جرم شدن شهروندان، آنان را به سمت همکاری هرچه بیشتر با این انجمن‌ها سوق می‌دهد؛ هرچند میزان این مشارکت به نحوه فرهنگ‌سازی در این امور بستگی دارد، در کل بین حساسیت نسبت به امنیت اجتماعی، جرم، ترس از قربانی شدن و همکاری داوطلبانه با این انجمن‌ها، همبستگی آماری معناداری وجود دارد.

چارچوب نظری

محقق ساخته با ۴۷ سؤال بود. نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری انجام شده‌اند. حجم نمونه نیز ۴۲۱ نفر است. یافته‌های پژوهش نشان دادند بین متغیرهای مستقل این پژوهش با متغیر وابسته (میزان مشارکت شهروندان) در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه معنادار آماری وجود دارد.

یافته‌های ترپسترا^۱ (2008) در پژوهش «پلیس، حکومت محلی و شهروندان به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در شبکه‌های امنیت محلی در هلند» نشان می‌دهند به‌دلیل انحصاری‌بودن نظارت و کنترل جرائم و ایجاد امنیت از طرف پلیس از یک طرف و نبودن یا ناکارآمدی قوانین پلیس و نهادهای قضایی تأمین‌کننده امنیت، اعمال سیاست مسئولیت‌پذیر کردن شهروندان و به‌کارگیری رویه‌های جدید همچون استفاده از شبکه‌های امنیت محلی ضروری است و برای رسیدن به مقصود یعنی تأمین امنیت، به مشارکت نیروهای پلیس، حکومت محلی و فعالان مدنی نیاز است. در اثر همکاری این سه نهاد مسائلی همچون وجود دیدگاه‌های متناقض بین آنها، وجود انتظارات متناقض از همدیگر و نبود هماهنگی بین همکاری‌های محلی با سیاست‌گذاری‌های رسمی در عرصه امنیت بروز می‌کند؛ اما رویه مسئولیت در قبال شهروندان، سیاست‌گذاری تنبیهی را بر نمی‌تابد. در کل در نتیجه‌گیری پژوهش تأکید بر این است که بدون همکاری سه نهاد ذکر شده، بحث درباره تأمین امنیتی کارا، بی‌فایده خواهد بود. استون و رایکیم^۲ (2012) در پژوهش «بازتاب مشارکت شهروندان در فعالیت‌های پلیسی اجتماع‌محور» که به‌صورت کتابخانه‌ای و بر طبق نظریات آرنشتاین^۳ (1969) و بازسازی این نظریات انجام شده است، اشاره می‌کنند که مشارکت شهروندان در جریان قدرت، از مؤلفه‌های مهم دموکراسی است و نقش مهمی را در سیاست‌گذاری در عرصه پلیس اجتماع‌محور بازی می‌کند. همچنین آنها بر این اعتقادند که

¹ Terpstra

² Easton & Ryckeghem

³ Arnstein

⁴ Marquart

⁵ Choi et al.

مدیریت شهر تنها از دید کالبدی و فیزیکی نمی تواند رهگشای چالش‌هایی باشد که بر اثر روابط پیچیده موجود در شهرها حاصل شده است. بهره‌گیری از مشارکت شهروندان در اداره شهر همیشه راهگشای مدیران شهری در اداره کارا و مؤثر شهر بوده است. در هر دوره و زمانی که این مشارکت و حضور شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری و اداره شهر نادیده گرفته شده است، بر مشکلات شهر افزوده شده و شهر را از کارکرد خود - ایجاد فضایی برای زندگی مطلوب شهروندان - دور کرده است. بی‌تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت باارزش، بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۹۱: ۵۵۲).

رویکردهای مدرنی همچون مکتب کینهاک که تنها بر مطالعات امنیتی مبتنی‌اند، تلاش دارند مسائل امنیتی را از دایره تنگ نظامی خارج و ایده امنیت گسترده در برابر امنیت نظامی را طرح کنند (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۹۱: ۵۷۷)؛ پس رفع این نیاز در گرو توجه به مشارکت شهروندان در قالب محله‌های شهری و ایجاد حس تعلق مکانی آنها در سطح محله‌هاست. هنگامی که حس تعلق مکانی در شهروندان تقویت و هویت محله‌ها پررنگ‌تر شود، میزان مشارکت شهروندان در امور و تصمیم‌گیری‌های شهری افزایش خواهد یافت و آنها احساس مسئولیت بیشتری به محیط زندگی خود و شهر خود خواهند داشت. اگر محله‌های شهری نادیده گرفته شوند، امید به جلب مشارکت شهروندان و ایجاد حس مسئولیت آنها در برابر محیط خود رنگ می‌بازد و نباید انتظار داشت شهروندان هم‌راستا با مدیران شهری گام بردارند و مشکلات و مسائل اجتماعی شهر حل شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱). در دیدگاه قدرت و مدیریت‌مداری، بر شناخت مسائل شهری و فهم مشکلات در قالب برنامه‌ریزی سازمانی تأکید شده است. نقش مدیریت در توزیع منابع سبب انطباق و سازش افراد با محیط می‌شود. هرچه اندازه سازمان،

تراکم و ناهمگونی آن بیشتر باشد، بی‌تحركی، بی‌سازمانی و بی‌هنجاری در آن گسترش می‌یابد (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۱: ۲۰) که پیامد آن مشارکت‌نداشتن در امور است. مشارکت‌نداشتن، بر فعالیت‌های خدمات شهری چون امور رفاهی، عمرانی، فرهنگی - تفریحی، ایمنی و نظارتی تأثیرات منفی مخربی می‌گذارد. در این میان، نقش مدیران در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به شهروندان، حفظ منافع مادی و اجتماعی و بسترسازی برای رفتار مشارکتی در تشکلهای و انجمن‌های داوطلبانه اهمیت دارد.

ابزارها، فن‌ها و الگوهای مشارکت آشکار می‌کند که مشارکت اشکال گوناگون و سطوح متفاوتی دارد که با طراحی صحیح می‌تواند بازتاب حضور واقعی مردم در عرصه‌های مختلف باشد یا ابزاری در دست مدیران قرار گیرد و تنها جنبه‌ی صوری پیدا کند یا عوام‌فریبی تلقی شود (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سناجردی، ۱۳۹۲: ۳۳۰). مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت شهری است که از عوامل و متغیرهای دیگری تأثیر می‌گیرد. مشارکت دادن شهروندان در امور مربوط به شهرها براساس مبانی نظری قوی عدالت‌محوری و اصول مردم‌گرایی شکل گرفت؛ از این‌رو، نهادهای مدنی مانند اجتماعات محلی و نهادهای غیردولتی و تشکلهای حرفه‌ای نیز از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شدند (عباس زادگان، ۱۳۸۵: ۹). فلسفه‌ی درگیری شهروندان در فعالیت‌های مبارزه با جرم به منزله بخشی از اقدامات پلیس اجتماع‌محور، بر نظریه حمایت تجویزی مبتنی است که بیان می‌دارد تأمین خدمات حفاظتی به ساختن محیط اجتماعی بهتر و افزایش کیفیت زندگی کمک می‌کند (Choi et al., 2014: 288)؛ البته صاحب‌نظرانی همچون ساور و همکاران^۱ (1957) معتقدند برای سودمندکردن حمایت‌های هنجاری، به گسترش حمایت‌های اجتماعات محله‌ای نیاز است و مطابق اظهارات تروجانویز و دیکسون^۲ (1974) شهروندان برای اینکه

¹ Sower et al.

² Trojanowicz & Dixon

به سیستم و رشد مشارکت و افزایش مشروعیت سیستم می‌شود. این سیستم می‌تواند دولت، پلیس یا هر حوزه رسمی یا غیررسمی دیگری باشد. این امر برای پلیس اهمیت دارد که زمینه‌های مشارکت مردم را فراهم و تسهیل کند. مشارکت مردم در حمایت و همکاری با پلیس در ابعاد مختلف، نشان‌دهنده اعتماد آنان به پلیس است. این امر که به تعبیری کنش مشارکت‌جویانه نامیده می‌شود، هنگامی بروز می‌کند که پلیس کارآمد باشد و بتواند اعتماد مردم را جلب کند. در این صورت مردم خود را اثربخش می‌دانند و رفتار مشارکت‌جویانه از خود نشان می‌دهند.

فرارو^۵ (1994) استدلال می‌کند که ترس از آسیب‌پذیری در مقابل جرائم به منزله عکس‌العملی طبیعی و عاطفی، آگاهی افراد از جرم و قربانی شدن و ادراک ریسک و خطرپذیری، شهروندان را به مشارکت بیشتر در این زمینه ترغیب می‌کنند. به همین دلیل صاحب‌نظرانی همچون گیلز سیمز (1984)، وار (1985)، کلارک و لويس (1982)، تیلور و هیل (1986)، سانشاین و تایلر (2003) معتقدند سالمندان، فقیران و محرومان و اقلیت‌های قومی که آگاهی و ریسک‌پذیری پایین‌تری دارند، مشارکت کمتری دارند (Choi et al., 2014: 288-289). برای مثال براساس برخی نظریات امنیت‌پایدار، ایجاد هماهنگی و همگرایی بین گونه‌های قومی و نژادی و احترام به حقوق شهروندی و برابری همگانی، از مؤلفه‌های مهم برقراری امنیت باثبات‌اند (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۹). پیتر تاونسند^۶ (1987) بر این اعتقاد بود که فقر افراد را از مشارکت کامل در کنش‌های جمعی بازمی‌دارد؛ یعنی هنگامی که مردم به سبب وجود نابرابری‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی احساس کنند در مقایسه با دیگران نسبت به آنها تبعیض شده است، طبیعی است که به نیاز اساسی مسئولان درباره مشارکت شهروندان پاسخ مناسبی نخواهند داد و براساس رویکرد روان‌شناسانه گار (۱۳۷۷: ۱۶) هرچه شدت و گستره محرومیت نسبی

مشارکت مؤثری در پیشگیری از جرائم داشته باشند، باید از طرف نیروهای پلیس، در قالب اجتماعات محله‌ای (نهادهای مدنی)، برای ارائه راهکارهای اساسی به همکاری دعوت شوند.

پس یکی از اشکال مشارکت بهره‌گیری از تشکل‌ها و انجمن‌های داوطلبانه است. انجمن‌های داوطلبانه مهم‌ترین عرصه شکل‌گیری و سامان‌دهی فعالیت‌های اجتماعی در جامعه محسوب می‌شوند. مولیناس مداخله موفقیت‌آمیز جامعه مدنی در جریان توسعه را موجب ارتقای فعالیت اجتماعی مؤثر افراد جامعه بیان کرده است (Molinas, 1998: 413).

عوامل انگیزشی مختلفی در مشارکت شهروندان در فعالیت‌های پیشگیری از جرم دخالت دارند؛ برای مثال متفکرانی همچون کار^۱ (2003)، دروری و لیچ^۲ (2009)، و اورتمن^۳ (2012)، پاتاوینا و همکاران^۴ (2006) معتقدند اعتماد به پلیس و اعتماد افراد مشارکت‌کننده به یکدیگر، از عوامل مهم و تأثیرگذار تلقی می‌شوند. چنانکه مطالعات ترپسترا (2008: 216) در زمینه مبارزه با جرم در چند بار (میکده) نشان‌دهنده آن است که وجود علایق متضاد بین پلیس و حکومت محلی، آنها را به سمت استفاده از شیوه‌های جدیدی همچون پلیس اجتماع‌محور سوق می‌دهد و کارآیی این شیوه‌های جدید، لمس شدنی است؛ اما باز موفقیت بیشتر آنها در این زمینه، به وجود اعتماد متقابل و شکاک‌نبودن افراد شرکت‌کننده در این عرصه‌ها بستگی دارد؛ به عبارت دیگر، در تحلیل و بررسی شهرهای جدید و بررسی میزان نظم‌پذیری افراد در قبال دیگران، موضوع همبستگی اجتماعی تعیین‌کننده نوع نظم و جهت اجتماعی آن معرفی می‌شود (چلی، ۱۳۷۵: ۱۲). علاوه بر نوع و شکل مشارکت، بسترهای مناسبی همچون اعتماد برای دستیابی به اهداف مدنظر الزامی است. اعتماد به کارگزاران موجب رشد اعتماد

¹ Carr

² Drury & Leech

³ Hess & Orthmann

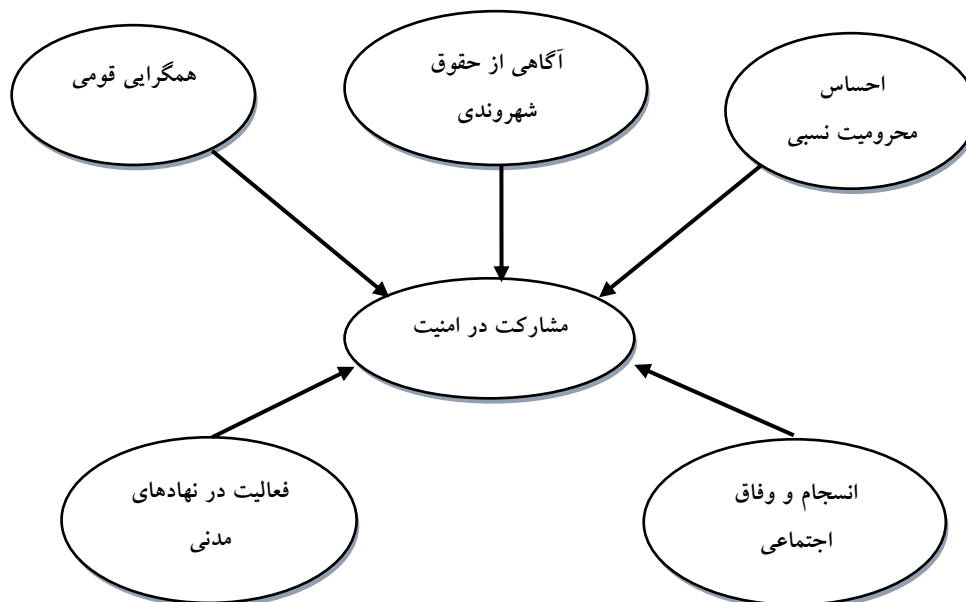
⁴ Pattavina et al.

⁵ Ferraro

⁶ Townsend

مطالعات انجام شده، فرضیه‌های مرتبط را مطرح و آنها را بررسی کردند.

بیشتر باشد، حجم خشونت جمعی و نامنی نیز بیشتر خواهد بود. در نهایت پژوهشگران با استفاده از این نظریه‌ها و مرور



شکل ۱- الگوی نظری پژوهش

معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

۱- بین میزان همگرایی قومی شهروندان ارومیه با تمایل آنها به مشارکت در برقراری نظم و امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی شهروندان ارومیه با تمایل آنها به مشارکت در برقراری نظم و امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

۳- بین میزان احساس محرومیت نسبی شهروندان ارومیه با تمایل آنها به مشارکت در برقراری نظم و امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

۴- بین میزان فعالیت در نهادهای مدنی شهروندان ارومیه با تمایل آنها به مشارکت در برقراری نظم و امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

۵- بین میزان انسجام و وفاق اجتماعی شهروندان ارومیه با تمایل آنها به مشارکت در برقراری نظم و امنیت رابطه

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه مطالعه شده شامل همه شهروندان بالای ۱۹ سال شهر ارومیه است که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۵۳۰۶۴۰ نفر بوده‌اند. از آنجا که مبنای نمونه‌گیری در این پژوهش افراد با دست‌کم تحصیلات راهنمایی بوده است، جامعه آماری به ۴۲۵۰۴۱ نفر تقلیل یافته است. برای استخراج حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که طبق فرمول برابر با ۳۸۴ نفر است. برای پرهیز از کاهش پرسشنامه‌های ناشی از جواب‌های ناقص، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت که در نهایت ۳۹۲ عدد از پرسشنامه‌ها کامل بودند و قابلیت استفاده داشتند؛ بنابراین، حجم واقعی نمونه بررسی شده برابر با ۳۹۲

انجام شد: در مناطق مسکونی شیفت صبح به دلیل اینکه بیشتر مردم سر کار بودند تنها از افرادی پرسش شد که در حال تردد در کوچه‌ها و خیابان‌ها بودند. در شیفت بعدازظهر نیز با مراجعه به درب منازل از افراد خواسته شد به سؤالات پرسشنامه پاسخ دهند.

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از روش‌های آماری و نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. ابتدا داده‌های گردآوری شده با پرسشنامه کدگذاری و وارد نرم افزار شدند؛ سپس داده‌ها دسته‌بندی و ترکیب شدند. از آنجا که متغیرهای مستقل و وابسته کمی و فاصله‌ای هستند، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون ارزیابی شدند. همچنین با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون نقش و سهم هر کدام از متغیرهای مستقل محاسبه و در نمودار تحلیل مسیر ارائه شده است. در نهایت نتایج به دست آمده از طریق نظریه‌های استفاده شده در طرح حاضر ارزیابی و مقایسه شدند.

تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم

الف) متغیرهای مستقل

۱- همگرایی قومی: به معنی میزان گرایش، دوستی، همکاری و تعامل صلح طلبانه بین دو یا چند قوم است. این متغیر را رفیع‌پور (۱۳۶۰) در ایران ساخته است و بهرامیان و بهرامیان (۱۳۹۲) براساس موقعیت فرهنگی - اجتماعی شمال غرب کشور، آن را بومی کرده‌اند و از طریق ۵ سنجه شامل ازدواج و روابط سببی، روابط خانوادگی و دوستی، همسایه‌بودن و همشهری‌بودن در طیف لیکرت طراحی و تدوین شده است.

۲- آگاهی از حقوق شهروندی: این متغیر از طریق میزان آگاهی مردم از حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی، حقوق قضایی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مبنای قانون اساسی به دست آمده و از مجموع ۱۲ سؤال تشکیل شده است. حاج‌زاده و منصور (۱۳۹۲) در پژوهش «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان

نفر است و همین تعداد مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند. روش انتخاب نمونه خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده است؛ به این ترتیب که نمونه بررسی شده از میان مناطق پنج‌گانه شهر ارومیه به نسبت جمعیت هر منطقه انتخاب شدند و در هر منطقه نیز با افرادی به صورت تصادفی مصاحبه شد؛ بنابراین، روش نمونه‌گیری از ترکیب دو نوع خوشه‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. در جدول زیر جمعیت مطالعه شده در هر کدام از مناطق، نسبت ساکنان هر منطقه نسبت به جمعیت کل و نمونه بررسی شده نشان داده شده است:

جدول ۱- نمونه بررسی شده بر حسب مناطق شهری ارومیه

| منطقه | جمعیت | نسبت | تعداد افراد |
|--------|------------|-------|-------------|
| | مطالعه شده | جمعیت | بررسی شده |
| ۱ | ۸۸۷۱۷ | ٪ ۲۱ | ۸۲ |
| ۲ | ۱۲۷۹۱۴ | ٪ ۳۰ | ۱۱۷ |
| ۳ | ۸۸۸۷۷ | ٪ ۲۱ | ۸۳ |
| ۴ | ۸۵۲۶۱ | ٪ ۲۰ | ۷۹ |
| ۵ | ۳۴۲۷۳ | ٪ ۸ | ۳۱ |
| جمع کل | ۴۲۵۰۴۱ | ٪ ۱۰۰ | ۳۹۲ |

ابزار اصلی سنجش، پرسشنامه بوده است که یکی از ابزارهای رایج و دقیق و روشی مستقیم برای کسب داده‌های پژوهش است. به دلیل گستردگی جغرافیای مطالعه شده از چهار نفر پرسشگر ماهر استفاده شد که قبلاً طی چند جلسه به طور کامل توجیه شده بودند. پرسشگران در ۵ منطقه مختلف ارومیه طی یک هفته از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۳:۰۰ صبح و ۱۵:۰۰ تا ۱۸:۰۰ بعدازظهر پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. تکمیل کردن بخشی از پرسشنامه‌ها در مناطق تجاری و مغازه‌ها صورت گرفت و هم فروشندگان و هم مردمی که به قصد خرید در بازار حضور داشتند، پرسشنامه‌هایی را تکمیل کردند. بخش دیگری از پرسشنامه‌ها در مناطق مسکونی توزیع شد؛ این کار در این مناطق به دو صورت

به میزان تمایل افراد به مشارکت در برقراری امنیت، از مقاله «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس؛ مورد مطالعه: شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰» (نیازی و همکاران، ۱۳۹۲) استخراج شده است. مجموع سؤالات این متغیر ۶ مورد است که در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی و تدوین شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش در دو بخش به صورت توصیفی و استنباطی ارائه شده‌اند. تحلیل توصیفی داده‌ها به صورت سیمای کلی پاسخگویان و توصیف متغیرهاست و در بخش استنباطی فرضیه‌ها بررسی شده‌اند.

توصیف داده‌ها

سیمای کلی پاسخگویان: تعداد پاسخگویان به پرسشنامه پژوهش ۳۹۲ بود که از این تعداد ۵۶٪ مرد و ۴۴٪ زن بودند. میانگین سنی افراد برابر با ۳۵/۸۶ سال بود که کم‌سن و سال‌ترین آنها ۲۰ ساله و مسن‌ترین فرد ۸۷ ساله بود. از لحاظ تأهل نیز ۳۶٪ افراد مجرد یا بدون همسر و بقیه متأهل بودند. قومیت افراد به ترتیب ۵۵٪ ترک، ۴۰٪ کرد و ۵٪ را سایر اقوام تشکیل می‌دهند. ۲۲٪ افراد در بیان وضعیت اشتغال خود را بیکار معرفی کرده‌اند. ۲۴٪ در حال تحصیل، ۳۴٪ دارای مشاغل آزاد و ۲۰ درصد نیز کارمند دولتی‌اند. ذکر این نکته ضروری است که عموماً زنان خانه‌دار، خود را بیکار معرفی کرده‌اند. از لحاظ تحصیلات حدود ۴۳٪ افراد تحصیلات زیر دیپلم‌اند، ۲۵٪ مدرک دیپلم و ۲۵٪ مدرک کاردانی و کارشناسی دارند. ۷٪ باقی‌مانده نیز مدرک کارشناسی‌ارشد و بالاتر دارند.

بررسی توصیفی متغیرها

خراسان شمالی» از این سؤالات استفاده و اهل فن آنها را تأیید کرده‌اند.

۳- احساس محرومیت نسبی: از سنجه‌های احساس محرومیت از لحاظ امکانات رفاهی، آموزشی و پرورشی، بهداشت و سلامت، زمینه‌های اقتصادی، کار و شغل و میزان توجه و احترام به فرهنگ و آداب و رسوم استفاده شده است. سؤالات این متغیر نیز از پژوهش بهرامیان و بهرامیان (۱۳۹۲) با عنوان «رابطه بین همگرایی اقوام (کرد و ترک) و احساس امنیت پایدار و شناخت عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام در استان آذربایجان غربی» استخراج شده است. این متغیر از تعداد ۴ گویه در طیف لیکرت ۵ قسمتی طراحی و تدوین شده است.

۴- مشارکت در نهاد مدنی: این متغیر از میزان مشارکت و عضو شدن افراد در نهادهای مشارکتی مانند سمن‌ها و نهادهای مذهبی و تمایل افراد به عضو شدن در این نهادها به دست آمده است. تعداد سؤالات این بخش ۶ مورد است که از طریق طیف لیکرت در ۵ گزینه سنجش می‌شود. سؤالات این متغیر از مقاله «حقیقت تاریخی و تجربه انباشت سرمایه اجتماعی در فرهنگ و مدیریت جهادی» (ایروانی، ۱۳۸۷) استخراج و به عاریت گرفته شده است.

۵- انسجام و وفاق اجتماعی: وفاق اجتماعی عبارت است از «توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعامل اجتماعی که خود موجب انرژی عاطفی است، به وجود می‌آید» (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۸). این متغیر از نمره افراد از میزان همنوایی افراد در چهار بعد عدالت‌گرایی، دینداری، عام‌گرایی و وفاداری به میهن به دست آمده است. سؤالات این متغیر در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی و از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق از ۱ تا ۵ شماره‌گذاری شده است.

ب) متغیر وابسته

مشارکت در برقراری نظم و امنیت شهری: سؤالات مربوط

جدول ۲- مقادیر شاخص‌های مرکزی در متغیرهای پژوهش

| متغیر | حداقل | حداکثر | میانه | میانگین | انحراف معیار |
|-----------------------|-------|--------|-------|---------|--------------|
| همگرایی قومی | ۵ | ۲۵ | ۱۵ | ۱۶/۷۳ | ۴/۸۹ |
| آگاهی از حقوق شهروندی | ۱۲ | ۵۴ | ۳۳ | ۲۹/۸۳ | ۱۰/۲۷ |
| احساس محرومیت نسبی | ۴ | ۲۰ | ۱۲ | ۱۱/۱۱ | ۳/۷۹ |
| مشارکت در نهاد مدنی | ۶ | ۲۸ | ۱۷ | ۱۶/۴۸ | ۵/۰۳ |
| انسجام اجتماعی | ۵ | ۲۵ | ۱۵ | ۱۲/۶۹ | ۴/۳۶ |
| مشارکت در برقراری نظم | ۶ | ۲۹ | ۱۷/۵ | ۱۸/۲۳ | ۴/۶۹ |

متوسطی قرار دارند.

بررسی فرضیه‌های پژوهش

در جدول ۳ ارتباط متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته نشان داده شده است. این ارتباط با آزمون‌های آماری متناسب انجام شده است.

در این جدول حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش نشان داده شده‌اند. میانگین متغیرهای همگرایی قومی و مشارکت در برقراری نظم امنیت اندکی بیشتر از میانه است؛ در حالی که میانگین سایر متغیرها اندکی پایین‌تر از میانه است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین عموم متغیرها به محدوده میانه نمرات نزدیک‌اند و به نوعی می‌توان گفت بیشتر متغیرهای پژوهش در حد

جدول ۳- رابطه متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته

| متغیر | آماره استفاده شده | مقدار | Sig | نتیجه |
|---------------|-----------------------|-------|-------|------------|
| جنسیت | t دو گروه مستقل | ۴/۳۴ | ۰/۰۰۰ | معنادار |
| سن | ضریب همبستگی پیرسون | ۰/۱۴۲ | ۰/۰۰۵ | معنادار |
| وضعیت تأهل | t دو گروه مستقل | ۰/۶۷ | ۰/۵۰۳ | غیرمعنادار |
| قومیت | تحلیل واریانس یک‌طرفه | ۱۳/۶۹ | ۰/۰۰۰ | معنادار |
| وضعیت اشتغال | تحلیل واریانس یک‌طرفه | ۱/۲۴ | ۰/۵۶۴ | غیرمعنادار |
| میزان تحصیلات | ضریب همبستگی اسپیرمن | ۰/۲۲۹ | ۰/۰۰۰ | معنادار |

متغیرهای تأثیرگذار بر تمایل افراد به مشارکت است. به طوری که ترک‌ها، تمایل بیشتری به مشارکت نشان داده‌اند. میزان تحصیلات نیز عاملی تقویت‌کننده در گرایش و تمایل افراد به مشارکت است. نتایج نشان می‌دهند رابطه بین این دو متغیر ضعیف اما معنادار است.

با مراجعه به این جدول ملاحظه می‌شود که به جز وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال، سایر متغیرهای زمینه‌ای رابطه معناداری با میزان مشارکت افراد در برقراری نظم و امنیت شهری دارند. نتایج نشان می‌دهند زنان به میزان بیشتری تمایل به مشارکت در امنیت دارند. همچنین با افزایش سن افراد مشارکت افزایش می‌یابد. قومیت از دیگر

جدول ۲- نتایج ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش

| متغیر | ضریب همبستگی | sig | نتیجه |
|-----------------------|--------------|-------|---------|
| همگرایی قومی | ۰/۵۳۶ | ۰/۰۰۰ | معنادار |
| آگاهی از حقوق شهروندی | ۰/۵۷۲ | ۰/۰۰۰ | معنادار |
| احساس محرومیت نسبی | -۰/۵۶۳ | ۰/۰۰۰ | معنادار |
| مشارکت در نهاد مدنی | ۰/۴۴۴ | ۰/۰۰۰ | معنادار |
| انسجام اجتماعی | ۰/۵۷۰ | ۰/۰۰۰ | معنادار |

نظم و امنیت همزمان است. میزان همبستگی همه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تقریباً بالاست.

برای بررسی الگوی پژوهش و سهم تأثیر هر کدام از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از نرم افزار تحلیل معادلات ساختاری Amos استفاده شده است. همچنین برازش الگو با مقادیر مدنظر ارزیابی و نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است.

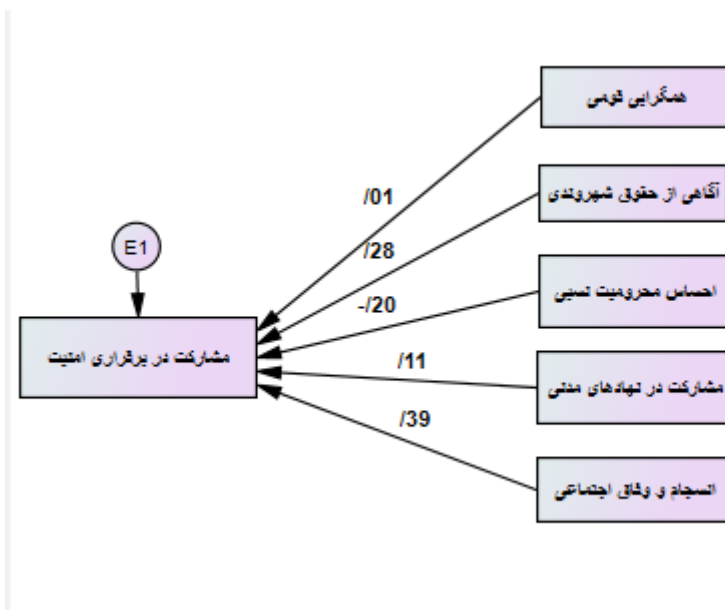
در جدول ۴ نتایج فرضیه‌های پژوهش نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود همه متغیرها همبستگی معنادار و در سطح اطمینان ۹۹٪ با متغیر وابسته دارند. همبستگی بین متغیرها به جز در متغیر احساس محرومیت نسبی، در سایر متغیرها مثبت است؛ به عبارت دیگر، افزایش متغیرهای مستقل با افزایش متغیر وابسته همزمان است و در متغیر احساس محرومیت برعکس؛ یعنی افزایش احساس محرومیت با کاهش گرایش افراد به مشارکت در برقراری

جدول ۳- شاخص‌های برازندگی الگوی ساختاری پژوهش

| مقدار به دست آمده | مقادیر پذیرفتنی | توضیحات | نام آزمون |
|-------------------|-----------------|----------------------------------|-------------|
| ۱۰/۸۹۴ | <۳ | کای اسکور نسبی | χ^2/df |
| ۰/۰۸۹ | <۰/۱ | ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب | RMSEA |
| ۰/۰۴۲ | <۰/۱ | ریشه میانگین مجذور باقی مانده‌ها | RMR |
| ۰/۹۶۱ | >۰/۹ | شاخص برازندگی تعدیل یافته | GFI |
| ۰/۹۶۰ | >۰/۹ | شاخص برازش نرم | NFI |
| ۰/۹۶۳ | >۰/۹ | شاخص برازش مقایسه‌ای | CFI |

معنادار بودن و قابل اعتماد بودن مدل تحلیل معادلات ساختاری پژوهش است.

با توجه به این جدول، مقادیر همه شاخص‌های برازش الگو در محدوده‌ای پذیرفتنی قرار دارند که این نشان دهنده



نمودار ۱- نتایج معادله ساختاری متغیرهای پژوهش

درصد از تغییرات احساس امنیت پایدار را تبیین می‌کند. همچنین بررسی رابطه همگرایی اقوام با ابعاد امنیت پایدار نشان داده است همگرایی قومی بیشترین تأثیر را بر بعد امنیت ملی می‌گذارد؛ بنابراین، همگرایی اقوام از جمله متغیرهای مهمی است که احساس امنیت را تبیین می‌کند و پژوهشگران در پژوهش حاضر نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند که براساس آن افزایش مشارکت افراد در برقراری نظم و امنیت به نسبت بالایی در گرو تقویت روحیه همگرایی بین اقوام ساکن در شهر ارومیه است.

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین آگاهی افراد از حقوق شهروندی و مشارکت در برقراری نظم و امنیت است. میزان همبستگی برابر با ۰/۵۷۲ است که نشان‌دهنده بالاترین میزان همبستگی آن با متغیر وابسته است. یکی از ابعاد مهم حقوق شهروندی، برخورداری از امنیت و نظم اجتماعی به‌ویژه در فضای شهری است. هرچه افراد به حقوق خود آگاهی بیشتری داشته باشند، به میزان بیشتری آن را مطالبه یا در راستای تأمین آن اقدام خواهند کرد. پژوهشگرانی مانند آدام^۱ (۲۰۰۵) و می‌یر^۲ (۲۰۰۰) در پژوهش‌های جداگانه‌ای به این نتیجه رسیدند که آموزش حقوق شهروندی سبب قانون‌گرایی افراد خواهد شد. برخی دیگر از پژوهشگران رابطه مشارکت افراد با حقوق شهروندی را بررسی و نتایج مشابهی را کسب کرده‌اند (حاجزاده و منصور، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد بین آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت در نظم و امنیت شهری رابطه‌ای دوسویه برقرار است و این دو مقوله از همدیگر تأثیر مستقیم می‌پذیرند.

از دیگر عوامل مرتبط با مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت، احساس محرومیت نسبی است. طبق یافته‌ها رابطه معکوسی بین دو این متغیر وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان احساس محرومیت نسبی میزان مشارکت مردم کاهش می‌یابد. میزان همبستگی بین این دو متغیر برابر

با مراجعه به نمودار ۱، سهم هر کدام از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشاهده می‌شود. همان طور که ملاحظه می‌شود انسجام اجتماعی بیشترین سهم (نزدیک به ۴۰٪) را در تبیین الگو دارد. در رتبه بعدی آگاهی از حقوق شهروندی با ۲۸٪ قرار دارد. ضریب تأثیر احساس محرومیت نسبی ۲۰٪- است. این مقدار نشان می‌دهد سهم این متغیر ۲۰ درصد و جهت آن منفی است؛ به این معنی که تأثیر این متغیر بر میزان مشارکت افراد معکوس است. میزان اثرگذاری متغیرهای مشارکت در نهادهای مدنی و همگرایی قومی به ترتیب ۱۱٪ و ۱٪ است.

نتیجه

شهر ارومیه با جمعیتی نزدیک به یک میلیون نفر از جمله شهرهای پرجمعیت ایران است که با معیارهای شهری کلان‌شهر محسوب می‌شود. از طرف دیگر، تنوع قومی، مذهبی، زبانی و... ارومیه را با مسائل و مشکلات خاص و ویژه‌ای روبه‌رو می‌کند. این شهر مرکز استانی است که با سه کشور نوار مشترک مرزی دارد و همواره در معرض آسیب و تهدید قرار دارد. به همین دلیل متولیان امنیت و مدیران شهری باید با شناخت آسیب‌ها و تهدیدها و شناسایی فرصت‌ها و امکانات موجود در راستای توسعه فیزیکی و افزایش امنیت پایدار آن قدم بردارند. در این پژوهش متغیرهای مختلفی بررسی شد که به نظر می‌رسد اثر تعیین‌کننده‌ای بر مشارکت‌پذیری مردم دارند.

همگرایی قومی اولین متغیر ارزیابی شده است. همبستگی بین این متغیر با گرایش به مشارکت افراد در برقراری نظم و امنیت معنادار و مثبت و میزان آن برابر با ۰/۵۳۶ است که همبستگی بالایی را نشان می‌دهد. به این ترتیب که با افزایش همگرایی قومی افراد میزان تمایل آنها به مشارکت در امنیت و نظم نیز بالا خواهد رفت. پژوهش بهرامیان و بهرامیان (۱۳۹۲) درباره احساس امنیت پایدار و نقش همگرایی قومی در آن نشان می‌دهد این متغیر ۲۰/۳

¹ Adam

² Meyer

و غیرتحمیلی دارد، سبب می شود مردم تمایل بیشتری به برقراری امنیت و در نتیجه مشارکت فعالانه تری داشته باشند. به عقیده دورکیم همبستگی اجتماعی آن است که سبب شود جامعه قوام داشته باشد و دچار بی نظمی و نابسامانی نشود. بر همین مبنا آخرین متغیر مرتبط با مشارکت شهروندان در برقراری نظم و امنیت، انسجام و وفاق اجتماعی است. نتایج این فرضیه نشان دهنده ارتباط مستقیم و معنادار بین این دو متغیر است. شدت همبستگی بین دو متغیر برابر با ۰/۵۷۰ است؛ بنابراین، با افزایش میزان انسجام و وفاق اجتماعی شهروندان، تمایل آنها به مشارکت در برقراری نظم و امنیت افزایش خواهد یافت. انصاری (۱۳۸۲) با بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی به این نتیجه رسید که یگانگی اجتماعی با امنیت اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد. در جامعه شهری سازوکارهای کنترل شکل صوری به خود می گیرند و جایگزین رسوم همدردی و همکاری و همبستگی - که خاص جوامع قومی است - می شوند (افروغ، ۱۳۷۷). در بخشی از نتایج پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۸۶) اشاره شده است که کاهش میزان همکاری مردم با یکدیگر و مشارکت در اداره امور شهر و امنیت از آثار منفی ضعف روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی است. با توجه به نتایج فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر همبستگی بین مشارکت شهروندان و انسجام اجتماعی و نتایج پژوهش های پیشین که همسو با پژوهش حاضرند، همبستگی اجتماعی با مشارکت در برقراری نظم و امنیت همبستگی معناداری دارد.

در بخش پایانی الگوی ساختاری متغیرهای پژوهش تحلیل شد. نتایج نشان دهنده تبیین کنندگی الگوست. الگوی نظری پژوهش، برازش مناسب و متغیرهای مدنظر پژوهش اثرات چشمگیری بر متغیر وابسته نشان دادند.

از جمله مسائلی که باید به آن توجه شود، مشارکت شهروندان در افزایش، گسترش و ایجاد فضای امن شهری است. گسترش روزافزون فیزیکی شهر و چندفرهنگی و چندقومیتی بودن آن مشکلاتی مانند کاهش انسجام

با ۰/۵۶۳- و میزان اطمینان آن ۹۹٪ است. احساس محرومیت نسبی در افراد سبب بی نظمی و کاهش امنیت در محیط اجتماعی خواهد شد. نابرابری ها با ایجاد احساس محرومیت نسبی، سبب کاهش همبستگی اجتماعی می شوند. بشیریه (۱۳۷۷) بحران همبستگی را عامل تضعیف نظم و ثبات جامعه می داند. همچنین مرتون بر این باور است که احساس محرومیت نسبی و فراگیری آن سبب نارضایتی، انحراف و شورش می شود (in: Marvin, 1985). با این تفاسیل باید گفت افرادی که در معرض احساس محرومیت نسبی قرار می گیرند، منزوی می شوند و با جامعه کمتر احساس همبستگی خواهند داشت و علاقه ای به تداوم نظم و کمک به ایجاد ثبات در جامعه نخواهند داشت. رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۳) در این زمینه به نتایج مشابهی دست یافته اند. طبق نتایج آنها، محرومیت نسبی رابطه معکوسی با همبستگی اجتماعی دارد و در نتیجه، موجب بروز ناهنجاری و بی ثباتی در جامعه خواهد شد.

نهادهای مدنی عاملی تقویت کننده و تشویق کننده برای حضور و مشارکت افراد در عرصه های اجتماعی اند. به همین دلیل یکی از متغیرهای بررسی شده در پژوهش حاضر حضور و عضو شدن افراد در نهادهای مدنی و رابطه آن با مشارکت آنها در برقراری نظم و امنیت است. طبق نتایج به دست آمده بیشتر افراد جامعه بررسی شده به میزان متوسط و پایینی عضو نهادهای مدنی اند. همبستگی این متغیر با میزان مشارکت افراد در برقراری نظم و امنیت برابر با ۰/۴۴۴ است که همبستگی متوسط و مثبت را نشان می دهد. به این ترتیب هرچه فعالیت افراد در نهادهای مدنی بیشتر باشد مشارکت بیشتری در برقراری نظم و امنیت خواهند داشت؛ اما نباید فراموش کرد که مشارکت باید خودجوش باشد؛ زیرا مطابق یافته های پژوهش مارکوارت (2012)، تحمیل و دیکته کردن مسئولیت های سیاسی به جای توجه به مشارکت خودجوش، پارادایم امنیت مشارکتی را به خطر می اندازد. به همین دلیل مشارکت در نهادهای مدنی که حالتی خودجوش

اجتماعی، افزایش احساس محرومیت نسبی و... را به وجود خواهد آورد. ازسوی دیگر، ضعف نهادهای مدنی در جلب مشارکت مردمی و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی سبب می‌شود ایجاد فضای امن شهری با چالش روبه‌رو شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند توجه متولیان امنیت به متغیرهای بررسی شده می‌تواند به بهبود امنیت به‌ویژه امنیت مشارکتی در فضای شهر کمک شایانی کند. در همین راستا سعی شده است پیشنهادهای کاربردی و عملیاتی ارائه شود تا با همکاری و همفکری شهروندان و نهادهای مرتبط، امنیت فضای شهری ارتقا پیدا کند و ارومیه به‌منزله دیار اقوام و مذاهب امنیت بالاتری داشته باشد و به الگویی جهانی تبدیل شود.

پیشنهادها

بررسی رابطه بین متغیرها تنها بخشی از پژوهش است. برای نتیجه‌بخش بودن و سودمندی یک پژوهش باید پیشنهادهایی کاربردی ارائه شود تا کسانی که آن را مطالعه می‌کنند، بتوانند استفاده و بهره‌برداری لازم را از آن داشته باشند. به همین دلیل در این بخش از پژوهش پیشنهادهای کاربردی ارائه شده‌اند که می‌توانند مدنظر متولیان نظم و امنیت و مدیران ارشد شهری ارومیه قرار گیرند:

تشویق مشارکت شهروندان به مشارکت بیشتر و همکاری با نهادهای متولی امنیت از طریق رسانه‌ها و مطبوعات.

پیشنهاد می‌شود شورای شهر و شهرداری ارومیه تدابیری در پیش بگیرند تا در میادین و معابر عمومی از نمادها و مجسمه‌هایی استفاده نشود که حساسیت قوم یا مذهبی را نسبت به قوم یا پیروان مذاهب و ادیان دیگر برمی‌انگیزاند.

سعی شود اسامی خیابان‌ها و محله‌ها با اسامی قهرمانان ملی نامگذاری شود تا قهرمانانی که مختص یک قوم‌اند یا اینکه دست‌کم تعادلی لحاظ شود تا قوم یا پیروان مذهبی

بیشتر افراد در ایجاد امنیت و نظم باشیم. انسجام اجتماعی نیز عاملی مؤثر بر مشارکت افراد است. برای دستیابی به این امر مهم باید رسانه‌ها بسیج شوند تا با کم‌رنگ کردن تبلیغات افکار وارداتی از آن سوی مرز، اندیشه‌های ملی‌گرایانه را ترویج کنند تا انسجام و وفاق اجتماعی بین شهروندان مستحکم‌تر شود.

آگاهی افراد از حقوق شهروندی‌شان نقش بسزایی در مشارکت‌پذیری آنها دارد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود نهادها و مدیران شهری از جمله شهرداری، شورای شهر، نیروی انتظامی و... اقدام به تدوین و انتشار منشور حقوق شهروندی - در هر بخش - از طریق نصب بیلبوردها و پلاکارت‌ها و چاپ بروشورهای مختلف کنند.

نهادهای مدنی می‌توانند به‌طور چشمگیری بر مردم تأثیر بگذارند و مردم را به سمت و سوی مدنظر خود هدایت کنند. با گسترش همکاری و تعامل سازمان‌های دولتی و نهادهای امنیتی - به‌طوری که در مدیریت این نهادها (نهادهای مدنی) دخل و تصرف صورت نگیرد - می‌توان از توان آنها در جلب مشارکت‌های مردمی بهره برد.

منابع

احمدی، ح؛ مرادی، گ. و آذرگون، ز. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه بین مشارکت مردمی و امنیت اجتماعی»، فصلنامه توسعه انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز، د ۱، ش ۴،

- ص ۹۱-۱۱۰. بین جوانان شهر تهران، مطالعه و تحقیقات اجتماعی در ایران، ش ۳، ص ۴۹۵-۴۷۳.
- رفیع پور، ف. (۱۳۶۰). کندوکاوها و پنداشته‌ها؛ مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: انتشار.
- زیاری، ک؛ عیوضلو، د؛ عیوضلو، م. و جهانبخش، ر. (۱۳۹۲). «تحلیل تطبیقی احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی؛ مطالعه موردی شهرستان کوه‌دشت»، پژوهش‌های روستایی، س ۴، ش ۱، ص ۱۶۶-۱۳۷.
- شریعتی‌مزیانی، س. (۱۳۸۴). طرح پژوهشی بررسی احساس امنیت عمومی در خراسان، پژوهشکده اقبال، جهاد دانشگاهی مشهد.
- عباس‌زادگان، م. (۱۳۸۵). «تحول برنامه مدیریت شهری اقتدارگرا به برنامه مدیریتی مشارکتی»، در مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص ۱-۱۴.
- عباس‌زاده، ه و کرمی، ک. (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۴، ش ۱، ص ۵۸-۳۱.
- عبدی، ر. و کاشف، ح. (۱۳۹۴). «بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۴۴، ص ۵۶-۳۹.
- گار، ت. ر. (۱۳۷۷). موقعیت اقلیت‌های درخطر (نابرابری و تبعیض)، ترجمه جلیل کریمی، فصلنامه رانه، ش ۱۰، ص ۴۱-۲۵.
- گلی، ع؛ قاسم‌زاده، ب؛ فتح‌بقالی، ع. و رمضان‌مقدم و اجارای، ی. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری؛ مطالعه موردی: پارک ائل‌گلی تبریز»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۶۹، ص ۱۳۶-۹۷.
- افروغ، ع. (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- انصاری، م. (۱۳۸۲). «بازشناسی و پیش‌نیازهای مدیریت مشارکتی در نظام اجرایی»، مجله مدیریت دولتی، ش ۴۳-۴۴، ص ۷۶-۷۰.
- ایروانی، م. (۱۳۸۷). «حقیقت تاریخی و تجربه انباشت سرمایه اجتماعی در فرهنگ و مدیریت جهادی»، در مجموعه مقالات همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی، تهران: حوزه نمایندگی ولی فقیه وزارت جهاد کشاورزی، ص ۱۰۵-۱۲۶.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۷). «گفتگو درباره جامعه مدنی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۱۸-۱۱۷.
- بهرامیان، ش. و بهرامیان، الف. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین همگرایی اقوام (ترک و کرد) و احساس امنیت پایدار و شناخت عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام در استان آذربایجان غربی»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، ش ۱۱، ص ۱۵۹-۱۳۱.
- پاپلی‌یزدی، م. و رجبی‌سنجرودی، ح. (۱۳۹۲). نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: سمت.
- ترابی، ی. و گودرزی، آ. (۱۳۸۳). «ارزش‌ها و امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی، معاونت اجتماعی ناجا، ش ۲۱، ص ۴۶-۳۱.
- چلبی، م. (۱۳۷۲). «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳، ص ۲۸-۱۵.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- حاج‌زاده، م. و منصور، الف. (۱۳۹۲). «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، س ۴، ش ۱۲، ص ۷۶-۵۷.
- رستگارخالد، الف؛ محمدی، م. و اسماعیل‌بیگی، م. (۱۳۹۳). «ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی

- on Community Policing and Citizen Participation.” *Social Conflicts, Citizens and Policing. Governance of Security Research Papers Series*, 6: 15-30.
- Ferraro, K. F. (1994) *Fear of Crime: Interpreting Victimization Risk Albany*. New York: State University of New York Press.
- Hess, K. M. & Orthmann, C. H. (2012) *Introduction to Law Enforcement and Criminal Justice*. New York: Delmar Cengage Learning.
- Marquart, M. K. (2012) “Participatory Security: Citizen Security, Participation and the Inequities of Citizenship in Urban Peru.” *Bulletin of Latin American Research*, 31 (2): 174-189.
- Marvin, E. S. (1985) *Theories of Social Psychology*. USA: MacGraw-Hill.
- Meyer, J. P. (2000) *Construct Validation in Organizational Behavior Research: The Case of Organizational Commitment. Problems and Solutions in Human Assessment*. New York: Springer.
- Molinas, J. R. (1998). “The Impact of Inequality, Gender, External Assisnsne and Social Capital on Local-Level Cooperation.” *Word Development*, 26 (3): 413-431.
- Pattavina, A. Byrne, J. M. & Garcia, L. (2006) “An Examination of Citizen Involvement in Crime Prevention in High-Risk Versus low- to Moderate - Risk Neighborhoods.” *Crime and Delinquency*, 52 (2): 203-231.
- Terpstra, J. (2008) “Police, Local Government and Citizens as Participants in Local Security Networks.” *Police Practice and Research, Routledge, Taylor & Francis group*, 9 (3): 213-225.
- Tonry, M. H. (2000) *The Handbook of Crime & Punishment*. Oxford: Oxford University Press.
- Townsend, P. (1987). “Deprivation.” *Journal of Social Policy*, 16 (2): 125-145.
- Trojanowicz, R. C. & Dixon, S. L. (1974). *Criminal Justice and the Community*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Sower, C. Holland, J. Tiedke, K. & Freeman, W. (1957) *Community Involvement*. New York: The Free Press.
- WWW. Amar.org.ir
- محمدی، ج؛ حسینی نژاد، الف. و اصانلو، ع. (۱۳۹۳). «تأثیر هویت محلات بر احساس امنیت شهروندان»، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، س ۹، ش ۱، ص ۳۳-۹.
- نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی و مدیریت شهری؛ مسائل نظری و چالش‌های تجربی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور، سازمان شهرداری‌های کشور.
- نیازی، م؛ سهرابزاده، م. و شفایی مقدم، الف. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس؛ نمونه شهروندان شهرستان کاشان»، فصلنامه مطالعات شهری، س ۳، ش ۸، ص ۵۸-۳۱.
- هزارجریبی، ج. و صفری شالی، ر. (۱۳۹۱). *آناتومی رفاه اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ*.
- Adam, L. (2005) “European Immigration Policies in Comparative Perspective: Issue Salience, Partisanship and Immigrant Rights.” *Comparative European Politics*, 3 (1): 1-22.
- Arrington, R. (2006) *Crime Prevention: The Law Enforcement Officer's Practical Guide*. Burlington: Jones & Bartlett Learning.
- Carr, P. (2003) “The New Parochialism: The Implications of the Beltway Case for Arguments Concerning Informal Social Control.” *American Journal of Sociology*, 108 (6): 1249-1291.
- Choi, K. Lee, J. & Chun, Y. (2014) “Why Do Citizens Participate in Community Crime Prevention Activities?” *Revijaza Kriminalistiko in Kriminologijo*, 65 (4): 287-298.
- Drury, B. & Leech, T. G. J. (2009) “The Potential of Community-Oriented Policing: A Report to the Mid-North Public Safety Commit-Tee.” Available at: <https://scholarworks.iupui.edu/bitstream/handle/1805/1940/COPS%20.pdf?sequence=1>.
- Easton, M. V. & Ryckeghem, D. (2012) “Reflections